

**جلسه اول استاد ریحانی - ۶ آبان ۱۴۰۳**

جلسه اول رو می طلبه یه مقدار مبادله اطلاعات بکنیم و ببینیم که چقدر بتونیم بالانس بکنیم جلسات رو برای دوستانمون که تکراری نباشه و برای شما هم به هر حال مفید باشه. یکی از چیزهایی که شاید ذهن همه مادرها را درگیر میکنه و یکی از ایرادهای یک مادر حتی جسارت نباشه یه مادری که خدایی نکرده فرزند خلافاکار داره هیچ وقت اگه ازش پرسسی تمایل نداشته که فرزندش این مدلی بشه. ببینید همیشه چون فرزند ادامه وجود ماست و در واقع اون عشقی که مادر به فرزند داره به هیچ موجود دیگه ای نداره حتی پدر و مادر، ممکنه از این مالی که تلاش کرده رو حتی از خودش دریغ کرده باشه و جمع کرده ولی خیالش راحت که بچه ام استفاده می کنه، شاید این اشتیاق حتی برای والدین هم نباشه شما میگی خودم سختی بکشم ولی بچه بعد از من راحت باشه. این دلیلش اینه که واقعاً بچه های ما ادامه وجود ماست پس بنابراین چه مادری که دنبال دریافت مطالبی هست که تو نوع تربیتش بتونه لحاظ بکنه و خودشو نزدیک بکنه به اون تربیت ایده آل و چه مادری که حتی به فکر نیفتاده و حتی مباحثی رو هم دنبال نکرده اما ته دل هر مادری این هستش که یه بچه ای داشته باشه که خوشحال باشه. پس ضرورت این بحث که اگر ما به بحث فرزند پروری پردازیم دلیلش این مسئله است اما ما طبق روال گذشته این هستش که دقیقاً دنبال این هستیم که دوستان ما مطلوبشون چیه و به دنبال چی اومدن یعنی اینجا القایی نیست مطالب. اگر واقعاً همگی اجماع دارید که ما این بحث رو دنبال بکنیم که شروع بکنیم این بحث رو اگر نه می تونیم به یک نظری برسیم و اون مباحث رو دنبال بکنیم ولی من نظرم بر این بود که وقتی داشتم بررسی می کردم به نظرم اومد با توجه به وجه اشتراکی همه عزیزان که مادر هستن و مطلوب مادر هم همین هست این سبک فرزند پروری رو ارائه بدم ولی باز هم جلسه اوله ما می تونیم برای جلسات بعد نکات دیگه ای رو یعنی مباحث و موضوعات دیگه ای رو بگیم.

ببینید ما تقریباً توی سبک های فرزند پروری روی دو تا فاکتور میریم جلو که بر اساس این دو تا فاکتور سبک هامون رو انتخاب می کنیم، ببینید ما چهار سبک فرزند پروری داریم منتها این چهار سبک رو بر اساس دو تا معیار تعیین می کنیم که بر اساس این دو تا معیار هر کدام از این سبک ها چه مدلی هست، ببینید یکی سبک سخت گیر، آسان گیر، سبک اغماض کننده و سبک مقتدر یا قاطع شد چهار سبک فرزند پروری، یعنی والدین ما برای تربیت چهار مدل نقش ایفا می کنند این چهار مدل رو که داریم می گیم تو ذهن خودتان بگردید ببینید خودتان جز کدام یکی از این دسته ها هستید که میشه روش صحبت کرد. دو فاکتور اصلی ما اینه یکی پاسخ دهی والدین، دو توقع والدین. پاسخ دهی والدین یعنی میزان حساس بودن نسبت به ارضای نیاز فرزندان و از اون طرف انتظار والدین از فرزندان، گفتم بر اساس دو تا فاکتور ما می سنجیم سبک فرزند پروری و اون دو تا فاکتور این ها هستش ببینید یکی بحث پاسخ دهی یکی بحث توقع. یعنی بر اساس اینکه من چقدر پاسخ دهی دارم به نیاز فرزندان و از اون طرف چقدر ازش توقع دارم و مطالبه می کنم. اینجا سبک من تعیین میشه که آیا سختگیرم، آیا آسان گیرم، آیا اغماض کننده هستم یعنی بی توجهم یا مقتدر. همانطور که

از اسمش پیداست بهترین روش همان روش مقتدر هستش حالا یکی یکی روش‌ها رو داریم می‌گیم که هر کدام چه فاکتورهایی دارن و چه ویژگی‌هایی دارن.

حالا سبک سخت‌گیر چه ویژگی‌هایی داره تنبیه‌کننده، محدودکننده، متوقع و سریع هستند ببینید عزیزان بچه‌های ما آینه رفتار ما والدین هستن، یعنی بچه رو بدن من با دو روز بودن در کنارش و رفتار این بچه رو که از صبح تا ظهر بینم قشنگ می‌تونم حدس بزنم که والدین چه رفتاری باهم دارن، کجاها کنتاکت دارن، آیا والدین والدینی هستند که باهم رابطه خوبی دارن، آیا چالش دارن، آیا پذیرای این بچه هستن و... یعنی انقدر قشنگ عنوان کننده هستند بچه‌های استاد روزبه می‌گفتن بچه‌های ما اونی میشن که ما هستیم نه اونی که ما می‌خوایم. معمولاً ما عصبانی هستیم که چرا بچه‌ها اونی نشدن که ما می‌خوایم در صورتی که بچه‌ها دارن ما رو می‌بینن و بچه‌ها اونی میشن که ما هستیم خب پس اگر قراره که بچه‌های ما مطلوب تربیت بشن این تغییر باید ایجاد بشه روی خود پدر و مادر نه اینکه هرجوری که دلشون می‌خواد رفتار می‌کنن و بچه را ملزم کنن که داری میریم فلان جا تو باید چکار کنی یا فلان جا حواست باشه بچه خوبی باشی یعنی بین کلمات چقدر کلی هستن، بچه خوبی باشی این هم کلیه. ببینید خدای متعال یک موجودی رو به ما داده مثال بزنم: ببینید یه وقتی از شما یه گواهینامه رانندگی گرفتن اما تا به حال پشت ماشین ننشستی تا به حال تجربه‌اش رو نداشتی خیلی هم تمرین نکردی مثلاً میان یک مرسدس بنز آنچنانی با فول امکانات به شما میدن و میگن تو این جاده چالوس بشین برو نتیجه چی میشه از ته دره سر در میارین. مرسدس بنز چیه شاید تمام سیستمی که توی یک ماشین اعمال شده یک هزارم سیستم یک چشم بچه ما هم نباشه و خدا یک چنین موجودی رو به من داده. فکر کنید اگر من مهارت تربیتی نداشته باشم و سبک فرزندپروری من یک سبک درستی نباشه چی تحویل میدم، بعد یه مدت هم خودم اعصابم خورده هم خودم فشار رومه هم خانواده. یعنی دائم چون که خودمان بلد نیستیم دنبال این هستیم که به کی رفته که این مدلی شده نفس آدم این جور راحت میشه دیگه هر چقدر فرافکنی کنیم نقش من راحت‌تره فقط پرش به دامن من نگیره. شما بارها گفتی مادر خالق دوم فرزند، خدا خلق کرده منتها در مسیر خلق منه مادر رو قرار داده و خلق از طریق من اتفاق افتاد پس اگر من قراره که تربیت کنم چون خدا رب و تربیت رو در من قرار داده و از اون طرف دلیل نیازش رو در بچه من قرارداده پس تواناییش در من وجود داره حالا چقدر از این توانمندی دارم استفاده می‌کنم. شماها خودتان دیدین وقتی توانایی رو سعی کردید به کار ببندید هی میرید جلو شروع می‌کنید کارای جدید کردن، بعد ببینید من سه سال پیش وقت نداشتم الان دارم این همه کار میکنم تازه سه سالم بزرگ‌تر شدم، سه سالم از لحاظ توان جسمی تحلیل رفتم و چقدر کم گذاشتم یعنی من تو یک محاسبه سرانگشتی متوجه میشم که چقدر از توانم استفاده نکردم. یک مادر موفق با یک مادر ناموفق تنها تفاوتش اینه که اون از امکاناتی که خدا بهش داده به عنوان مادر استفاده کرده ولی من استفاده نکردم؛ یک مادر می‌تونه موفق در تربیت باشه ولی مشروط بر اینکه توان خودش رو بشناسه و به توان و قدرت خودش ایمان داشته باشه، شک نکنه و بگه محال ممکنه که خدا موجودی رو در دامن من بذاره که من توانش رو نداشتم.

پایان مبحث جلسه اول استاد ریحانی